

Investigating the Role of the Traditional Religious Association in Strengthening the Civil Society (Case Study: The Traditional Religious Association's Actives in Yazd)

Morteza Mashalchi 

PhD Candidate of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abolfazl Morshedi 

Assistant professor of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Abstract

Although Traditional religious association in traditional Iranian society had specific and well-established religious and social functions, with the extensive changes in Iranian society and its increasing modernization, the relationship of these Traditional religious association with the characteristics of the new society has been "Problematic". This means that although on the one hand, all Traditional religious association, as "Intermediary Institutions" that provide an opportunity for people to interact and collaborate, play an effective role in strengthening the characteristics of civil society, but on the other hand, not all of them act in the same way. In this study, the three "Ideal Types" of the Traditional religious association, reflexivity, Identity-oriented and Movement-oriented, were separated and their relationship with some components of civil society was examined. The type of reflexivity moves towards strengthening civil society by striving for "Civic Education" of members of society and spreading civic messages. By focusing on strengthening the "Shiite Identity", the Identity-oriented type moves more towards the creation of "Traditionalist Societies", and Movement-oriented type, focusing on strengthening the "Jihadi organization", pursues the ideal of "Wilaii society".


Keywords: Traditional Religious Association, Yazd, Civil Society, Equality, Women, Zoroastrian Minority.


Corresponding Author: a.morshedi@yazd.ac.ir

How to Cite: Mashalchi, M., Morshedi, A. (2021). Investigating the Role of the Traditional Religious Association in Strengthening the Civil Society (Case Study: The Traditional Religious Association's Actives in Yazd), *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(94), 209-239.



بررسی نقش هیئت‌های مذهبی در تقویت جامعه مدنی (مطالعه موردی: بررسی دیدگاه فعالان هیئت‌های مذهبی شهر یزد)

مرتضی مشعلچی  دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

ابوالفضل مرشدی  * استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران

چکیده

هرچند هیئت‌های مذهبی در جامعه سنتی ایران دارای کارکردهای دینی و اجتماعی مشخص و تثبیت‌شده‌ای بودند، اما با تحولات گسترده در جامعه ایران و مدرن شدن روزافزون آن، نسبت این هیئت‌ها با ویژگی‌های جامعه جدید «مسئله‌دار» شده است. بدان معنا که هرچند از یکسو، همه هیئت‌های مذهبی به‌عنوان «نهادهای واسطی» که فرصت تعامل و تشریک مساعی مردم را فراهم می‌کنند، نقش مؤثری در تقویت ویژگی‌های جامعه مدنی دارند، اما از سوی دیگر، به جهت ترویج ویژگی‌های متناسب با جامعه مدنی، همه هیئت‌های مذهبی به یک شیوه عمل نمی‌کنند. در این تحقیق سه «گونه آرمانی» هیئت مذهبی یعنی گونه هویت‌اندیش، گونه بازاندیش و گونه مکتب‌اندیش از هم تفکیک و نسبت آن‌ها با برخی مؤلفه‌های جامعه مدنی بررسی شد. گونه بازاندیش با اهتمام ورزیدن به «تربیت مدنی» افراد جامعه و انتشار پیام‌های مدنی، در راستای تقویت جامعه مدنی حرکت می‌کند. گونه هویت‌اندیش با محوریت بخشیدن به تقویت «هویت شیعی»، بیشتر به سوی آفرینش «جامعه‌ای سنت‌گرا» حرکت می‌کند و گونه مکتب‌اندیش با محوریت دادن به تقویت «تشکیلات جهادی»، در پی آرمان «جامعه ولایی» است.

کلیدواژه‌ها: هیئت‌های مذهبی، یزد، جامعه مدنی، برابری، زنان، اقلیت زرتشتی

طرح مسأله

با رشد آگاهی روزافزون انسان‌ها در دنیای امروز و درهم‌تنیدگی اجتماعی و فرهنگی فزاینده‌ای که جوامع امروزی با آن روبرو هستند، به نظر می‌رسد همه جوامع ناگزیر باید به میل عمومی روزافزون به آزادی و برابری انسان‌ها تن دهند و حکومت‌ها باید عرصه عمومی گسترده و برابری را برای نقش‌آفرینی و خلاقیت و تعامل افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، فارغ از ویژگی‌های انتسابی‌شان، فراهم کنند. این ویژگی جوامع جدید در بیش از یک‌صد سال اخیر عمدتاً با نام «جامعه مدنی» گره خورده است. با مفروض گرفتن این موضوع، یکی از مسائل اساسی در جوامع دینی، یعنی جوامعی که دین در آن‌ها ریشه‌دار است و با بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی آن جامعه گره خورده است، تبیین نسبت میان دین با جامعه مدنی است (برای نمونه نگاه کنید به: Soroush, 1999; Ghaninezhad et al, 1999; Kamrava, 2001). در ایران، عصر مشروطه را می‌توان آغاز مطالبه عمومی برای تحقق جامعه مدنی دانست (برای نمونه نگاه کنید به: Alizadeh, 2013) و از آن زمان تاکنون کوشش‌های نظری و عملی مستمری برای تبیین ویژگی‌های این جامعه و نسبت آن با جامعه ایران، به‌عنوان جامعه‌ای دینی، صورت گرفته است. با تحقق انقلاب در سال ۱۳۵۷ و به‌ویژه با روی کار آمدن جنبش موسوم به «اصلاحات» در دهه ۷۰ شمسی در ایران، این مفهوم به‌صورت گسترده وارد عرصه عمومی کشور شد و در کنار تلاش‌های عملی برای تحقق آن، تلاش‌های نظری برای تبیین و نقد این نوع جامعه شدت گرفت طوری که از آن زمان به بعد شاهد انتشار آثار متعددی در این زمینه هستیم (برای مثال نگاه کنید به: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۹۹۹؛ فصلنامه مطالعات راهبردی ۱۹۹۹؛ پژوهش‌های اجتماعی اسلامی ۱۹۹۹). در این میان، هرچند محققانی بودند که تصویری تقابلی از جامعه مدنی با دین به‌ویژه دین اسلام ارائه می‌کردند، اما اغلب روشنفکران و محققان ایرانی تلاش داشتند ضمن ارائه روایتی «بومی‌شده» از جامعه مدنی، از همزیستی جامعه مدنی با اسلام، حداقل با خوانشی «مناسب» از اسلام، سخن بگویند (Kamrava, 2001). بر اساس این روایت، شکل‌گیری جامعه مدنی فرایندی درون‌زا در هر جامعه است که در جوامع با

سنت‌های دینی قوی، از مجرای تحول درونی در دین تکوین می‌یابد. با اتکا بر این روایت از رابطه جامعه مدنی و دین، از زمان مشروطه تاکنون در ایران تلاش‌های قابل توجهی برای شناسایی و پالایش «مفاهیم آبستن^۱» جامعه مدنی در سنت سیاسی و اجتماعی اسلام و تشیع صورت گرفته است. از جمله، علامه نایینی (۲۰۱۵) تحقیق «مساوات» و «حریت» (آزادی) را از اهداف انبیای الهی و به‌ویژه حضرت رسول (ص) ارزیابی می‌کند و بر احیای این اصول در جوامع اسلامی تأکید می‌کند. فیرحی (۲۰۰۶) نیز در جستجوی ریشه‌های تاریخی جامعه مدنی در صدر اسلام، نشان می‌دهد که در «دولت-شهر پیامبر (ص)» همه امضاکنندگان پیمان اعم از مسلمانان و یهود و حتی مشرکان مشمول پیمان، قطع نظر از ویژگی‌های اعتقادی، زیرمجموعه «امت» تلقی می‌شدند و از حقوق و تکالیف شهروندی برخوردار بودند. توسلی (۲۰۰۶) نیز با اتکا به خطبه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به‌ویژه عهدنامه مالک اشتر، توصیه ایشان به رعایت حقوق شهروندان (اعم از هم‌کیشان و هم‌نوعان)، حقوق متقابل دولت و مردم و ... را از عناصر بنیادین جامعه مدنی اسلامی معرفی می‌کند. حیدری کاشانی (۲۰۰۵) نیز با مقایسه جامعه مدنی و مدینه‌النبی، سه اصل «حریت» (آزادی)، «رفق و مدارا» (نرم‌خویی و خوش‌رویی در معاشرت‌های اجتماعی) و «عدم مدهانه و سازش» (عدم تساهل و تسامح در اصول و مبانی و حدود الهی) را از اصول مهم مدینه‌النبی معرفی می‌کند (همچنین نگاه کنید به: Feirahi, Haeri Yazdi, 2005). (۱۹۹۹).

برای تبیین رابطه دین و جامعه مدنی هرچند تلاش‌های نظری و مفهومی پراهمیت است، همراه با آن‌ها مطالعاتی تجربی لازم است تا چگونگی همزیستی دین و جامعه مدنی و جمع ویژگی‌های جامعه دینی و جامعه مدنی در ایران در عمل واکاوی شود. مطالعه حاضر در دسته مطالعات تجربی قرار می‌گیرد و با توجه به اهمیت هیئت‌های مذهبی در جامعه ایران و کارکردهای متعدد اجتماعی آن، می‌کوشیم با اتکا بر مطالعه‌ای تجربی،

1. Pragnante Begriffe

این مفهوم از کارل اشمیت، فیلسوف سیاسی، است و ناظر به مفاهیمی است که از الهیات به نظریه سیاست انتقال یافته‌اند. به تعبیر وی، «تمامی مفاهیم آبستن نظریه سیاست مدرن، مفاهیم عرفی شده الهیاتند» (اشمیت ۲۰۰۵: ۷۵)

نقش این هیئت‌ها را در تقویت جامعه مدنی در جامعه بررسی نماییم. هرچند عمده فعالیت هیئت‌های مذهبی در ایران در دهه اول محرم است اما بسیاری از آن‌ها در ایام دیگری از سال (از جمله ماه رمضان، ایام شهادت و میلاد برخی از امامان شیعه) در مسجد و حسینیه متعلق به خود برنامه‌های عزاداری یا جشن دارند یا به صورت هفتگی مراسم دعا (دعای کمیل یا ندبه یا توسل) برپا می‌کنند. علاوه بر این، برخی از هیئت‌ها در طول سال به انجام فعالیت‌های خیریه می‌پردازند (از جمله جمع‌آوری پول برای آزادی زندانیان یا تهیه جهیزیه برای نوجوانان و غیره). همچنین برخی از امورات محله (مانند ساماندهی کوچه‌ها، رفع اختلافات احتمالی میان اهالی محله) با پیگیری و پشتیبانی هیئت‌امنا هیئت‌های مذهبی صورت می‌گیرد. در واقع، علاوه بر اینکه هیئت‌های مذهبی با فراهم نمودن زمینه تعامل میان مردم، احساسات و اندیشه‌های آن‌ها را ارتقا و احساس همبستگی و برابری را در آن‌ها تقویت می‌کنند، به تعبیر برگر و لاکمن (۱۹۹۵: ۵۳) می‌توان آن‌ها را «نهادهای واسطی» دانست که میان فرد و الگوهای تجربه و کنش تثبیت شده در جامعه نقش میانجی را بازی می‌کنند و به واسطه آن‌ها، افراد فعالانه در تولید و پردازش ذخیره اجتماعی معنا همکاری می‌کنند. تحت تأثیر این نهادها، ذخیره موجود معنا نه به صورت امر آمرانه داده شده و تجویز شده بلکه به عنوان مجموعه‌ای از امکان‌هایی تجربه می‌شود که توسط اعضای فردی جامعه شکل گرفته و برای تغییرات بعدی باز است.

این نقش هیئت‌ها تاکنون در مطالعات گوناگونی مورد تأکید محققان مختلفی قرار گرفته است. از جمله سبزه‌ای (۲۰۱۰) حسینیه‌ها و تکایا در ایران را مهم‌ترین تجمع جامعه مدنی سنتی در حوزه عمومی معرفی می‌کند و مهم‌ترین کارکرد این اماکن را اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی برمی‌شمارد. زاهد زاهدانی و گروسی (۲۰۰۲) هیئت‌های مذهبی را به مثابه سازمان‌های غیردولتی در جوامع سنتی قلمداد می‌کنند که هفت ویژگی اصلی سازمان‌های غیردولتی یعنی انفکاک از دولت، غیرانتفاعی بودن، تبعیت از قانون جامع، غیرسیاسی بودن، انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه، جلب فواید و منافع برای جامعه (نه برای

گردانندگان) و مردمی و خودجوش بودن را داشته‌اند. رحمانی و کاظمی (2010) نیز مناسک عزاداری محرم در ایران را علاوه بر ایجاد کسب تجربه دینی، عامل مهمی در بازتولید وجدان جمعی در جامعه قلمداد می‌کنند و معتقدند این مناسک می‌تواند علاوه بر کارکرد دینی، تأثیر بسیار مهمی در سازمان‌دهی گروه‌های اجتماعی و هویت شیعی داشته باشد. خشک‌جانی و مسلمی (2016) معتقدند عزاداری هیئت‌های مذهبی در این نظام معنایی کنشی است که در برخی اوقات بازتولید مبانی هویتی، افزایش روحیه اعتراض، به‌روز کردن و بازتولید مکرر مفهوم ظلم و ظالم در ادبیات سیاسی کشور، افزایش انسجام و همبستگی درونی را به همراه دارد.

با توجه به هدف اصلی این مقاله، سؤالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از اینکه: آیا هیئت‌های مذهبی به میزان کافی از دولت استقلال دارند که بتوانند نقش واسطه میان دولت و افراد جامعه را بر عهده گیرند؟ و آیا هیئت‌های مذهبی توانسته‌اند با ویژگی‌های اصلی جامعه مدنی، به‌ویژه برابری حقوق افراد جامعه، همساز شوند و به تقویت آن‌ها کمک کنند؟

مبانی نظری

هرچند مفهوم «جامعه مدنی» عمدتاً در فلسفه سیاسی دوره جدید غرب مطرح و پرورده شد و با نام فیلسوفان سیاسی کلاسیک و معاصر (چون لاک، روسو، هابز، میل، هگل، آرنه، گرامشی، هابرماس و ...) پیوند خورده است، اما به‌ویژه از زمان تألیف کتاب *دموکراسی در آمریکا* (Tocqueville, 1898)، جامعه‌شناسان مختلفی نیز در پرورش این مفهوم نقش ایفا کردند که به‌طور خاص می‌توان از سهم امیل دورکیم در آغاز سده بیستم میلادی و رابرت پاتنام در دهه‌های اخیر سخن گفت. معنای جامعه مدنی بسته به سنت نظری که در آن پرورده شده، تفاوت‌های قابل توجهی با هم دارد (Diamond, 1999؛ Alagappa, 2004؛ Putnam, 2000). با این حال، در یک جمع‌بندی می‌توان جامعه مدنی را جامعه‌ای دانست که در آن گروه‌های مختلفی فعال‌اند که مستقل از دولت و بخش اقتصادی جامعه‌اند، منافع عمومی را دنبال می‌کنند و بازنمای منافع مختلف‌اند، باز و داوطلبانه هستند و تابع قانون‌اند

(Diamond, 1999).

در این مقاله عمدتاً از منظر جامعه‌شناسی و با تکیه به آرای آلکسیس توکویل، از پیشگامان جامعه‌شناسی، قصد داریم پرتویی بر نسبت هیئت‌های مذهبی و جامعه مدنی در بستر جامعه معاصر ایران بیفکنیم. از آن‌جهت آرای توکویل در این مقاله مینا قرار گرفته است که وی از معدود جامعه‌شناسانی است که به‌طور روشن به رابطه دین و ویژگی‌های جامعه مدنی پرداخته است. همچنین با توجه به محوریت «انجمن‌ها» در آرای توکویل، می‌توان انتظار داشت که بینش‌های نظری وی به فهم بهتر رابطه هیئت‌های مذهبی (به‌عنوان نوعی انجمن‌های دینی) و جامعه مدنی در ایران کمک کند.

هرچند نام توکویل به‌ویژه تحت تأثیر کتاب *دموکراسی در آمریکا* با نام «جامعه دموکرات» پیوند خورده و آرای وی در کانون مباحث مرتبط با دموکراسی بوده است اما در دهه‌های اخیر در مباحث مرتبط با جامعه مدنی نیز آرای وی محوریت یافته تا جایی که از مکتب «نو-توکویلی» نظریه جامعه مدنی سخن گفته می‌شود (Alexander, 1898). در واقع، نزد توکویل ارتباط نزدیکی میان مفهوم جامعه مدنی و جامعه دموکرات وجود دارد طوری که از منظر او، «یک جامعه مدنی کثرت‌گرا و خودسازمان‌دهنده و مستقل از دولت شرط ضروری دموکراسی است.» (Willis, 2019). وی نقش مهم جامعه مدنی را این‌می‌داند که با تحت نظر قراردادن دولت و بخش اقتصادی، از منافع جامعه حمایت می‌کند. به‌بیان‌دیگر، جامعه مدنی به‌واسطه اینکه مانع مستبد شدن دولت می‌شود و فضائل مدنی و دمکراتیک را در جامعه پرورش می‌دهد، مدافع دموکراسی است (Willis, 2019). در ادامه، آرای توکویل در رابطه با جامعه جدید را مرور می‌کنیم و بر مفاهیم کلیدی که در بخش تحقیق تجربی قصد داریم آن‌ها را بررسی کنیم، تمرکز می‌کنیم.

توکویل آزادی و برابری را دو خصلت اساسی جامعه جدید برمی‌شمارد اما از آنجا که بنیاد نهادن آزادی بر نابرابری را ناممکن می‌داند (Aron, 2013:255)، ویژگی اساسی جوامع جدید را بیش از هر چیز «برابر شدن شرایط اجتماعی» ارزیابی می‌کند. به نظر او، توسعه برابری «اصل و اساس تاریخ» محسوب می‌شود و در درازمدت گرایش‌های بنیادی

در همه جا یکسان است و رو به سوی برابری دارد: «ما وقتی به صفحه‌های تاریخمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم حوادث بزرگی که از هفتصدسال پیش به این طرف رخ داده، همه جهت تأمین برابری میان مردم بوده است» (Coenen- Huther, 2013:103). برابری یا مساوات اجتماعی بدان معناست که در جامعه تمایزات ناشی از خانواده، قومیت، نژاد، مذهب و طبقه از چشم‌ها می‌افتد و پایه‌های فکری و عملی تفاوت‌های موروثی به تدریج سست می‌شود و همه مشاغل، مناصب و افتخارات در جامعه می‌تواند در دسترس همگان باشد (Aron, 2013:251-252).

یکی از دغدغه‌های اصلی توکویل این است که در چه شرایطی جامعه‌ای که سرنوشت اعضای آن رو به یک‌شکلی دارد، ممکن است از گرفتار شدن در فرجام تیره استبداد بپرهیزد؟ (Ibid). وی به‌عنوان شاگرد باوفای مونتسکیو تفکیک قوا و توزیع قدرت بین نهادهای گوناگون دولت را یکی از این راه‌های اساسی می‌داند اما آن را کافی نمی‌داند. وی وجود انجمن‌هایی را که به‌عنوان «چشم جامعه» عمل کنند، برای این هدف اساسی می‌داند. این انجمن‌ها و به بیان توکویل «قدرت‌های ثانویه» یا «هیئت‌های میاندار» (Coenen- Huther, 2013:114)، با توجه خود به فعالیت‌های روزمره، مشارکت در ابعاد وسیع‌تری از جامعه را می‌سازند و با پرداختن به مسائل کوچک، باعث افزایش هوشیاری و بیداری در جامعه می‌گردند. انجمن‌ها با فراهم کردن روابط متقابل میان افراد، احساسات و اندیشه‌های آن‌ها را ارتقا و دیدشان را گسترش می‌دهند. همچنین افرادی که به منافع شخصی خود می‌اندیشند، در انجمن‌ها می‌آموزند که با جمع احساس همبستگی کنند. بر این اساس، از نظر توکویل، انجمن‌های اجتماعی نقش برجسته‌ای در حفظ استقلال حوزه مدنی و دفاع از ارزش‌های آن دارند و از فرد در مقابل دولت حمایت می‌کنند (Chandhoke, 1999:108-111).

توکویل اصرار دارد که در تحلیل برابری و ویژگی‌های جامعه جدید باید نقش دین را به حساب آورد. وی دین را به‌نوعی گهواره و حامی اصلی برابری و آزادی می‌داند. به بیان او، «این مطلب که برابری باعث می‌شود آدمیان افکار بسیار کلی و بسیار وسیع داشته

باشند را باید اصولاً در مسائل مذهبی در نظر گرفت» (Aron, 1988:274).
به بیان توکویل، «مذهب آزادی مدنی را نوعی استفاده نجیبانه از استعدادهای آدمی می‌داند و جهان سیاست را میدانی از جانب آفریدگار برای جولان کوشش‌های هوش بشری. ... آزادی مذهب را یار مبارزات خود، گهواره کودکی خویش و منبع الهی حقوق خود می‌داند. آزادی مذهب را حافظ رسوم می‌شمارد، رسومی که ضامن قوانین و حامی دوام خود آزادی‌اند» (Aron, 2003:263-264). بر این اساس، توکویل شرط استقرار آزادی را نیز در تحلیل آخر، دین می‌داند و با مقایسه امریکا و فرانسه قرن هجدهم، معتقد است اگر قرار باشد یگانه علتی که بقای آزادی در امریکا را محتمل و آینده‌آزادی در فرانسه را ناپایدار سازد، بجویم به این نتیجه خواهیم رسید که جامعه آمریکایی به سبب تلفیق روح مذهب با روح آزادی به حفظ آزادی توفیق یافته است و حال آنکه در جامعه فرانسه، کلیسا با دموکراسی و مذهب با آزادی در مخالفت است و تمامی جامعه از این امر در نفاق (Ibid). در مجموع، به بیان آرون، مایه بنیادی اندیشه توکویل این است که در جامعه‌ای مساوات طلب که می‌خواهد خود بر امور خود حکومت کند، انضباطی اخلاقی که در وجدان افراد رسوخ یافته باشد، ضرورت دارد. اعضای جامعه باید در گنه وجود خویش از انضباطی پیروی کنند که فقط ناشی از ترس آنان از مجازات نباشد؛ اما آن ایمانی که از هر چیز دیگر این انضباط اخلاقی را در افراد پدید خواهد آورد، بازهم به عقیده توکویل، ایمان مذهبی است (Ibid).

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ استراتژی پژوهشی ذیل استراتژی پژوهشی استفهامی^۱ قرار می‌گیرد. این استراتژی در بردارنده مفروضات هستی‌شناسانه‌ای است که واقعیت اجتماعی را همچون برساخته کنشگران اجتماعی تلقی می‌کند و کار محقق اجتماعی فهم همین دنیای اجتماعی است که مردم ایجاد کرده‌اند و با تعاملات و معاشرت‌های مستمر خود آن را بازتولید

1. Abductive strategy

می‌کنند (Blaikie, 2014:152-158). به لحاظ روش‌شناسی، این تحقیق ذیل «سنت حساس‌سازی»^۱ قرار می‌گیرد. در این سنت، پژوهشگر کار خود را با مفاهیمی آغاز می‌کند که به‌طور کلی و با سهل‌انگاری تعریف شده است و سپس معنای آن را در جریان پژوهش دقیق‌تر و پالوده‌تر می‌سازد تا نسبت بیشتری با اهداف تحقیق بیابد. بر اساس این سنت، با اینکه پژوهشگر به راهنمایی‌هایی نیاز دارد، اما لازم است خود پژوهش را فرآیندی بدانیم که طی آن معنای مفاهیم پرورانده می‌شود (Ibid).

بر اساس مبانی نظری و در راستای اهداف این تحقیق، در گام نخست، خصلت اصلی «انجمن» بودن هیئت‌های مذهبی، یعنی استقلالشان از حاکمیت سیاسی را واکاوی می‌کنیم. این موضوع از آن‌جهت اهمیت دارد که در نظام سیاسی که متصف به اسلامی بودن است، این احتمال وجود دارد که هیئت‌های مذهبی به شکل‌های مختلف به حاکمیت وابسته شوند. برای این منظور، استقلال هیئت‌های مذهبی در سه بُعد، یعنی استقلال گفتمانی، سازمانی و اقتصادی واکاوی می‌شود. در گام دوم، به تأسی از توکویل که «برابری» را مهم‌ترین ویژگی جامعه مدنی قلمداد می‌کند، دیدگاه فعالان هیئت‌های مذهبی در مورد «برابری» را واکاوی می‌کنیم. برای این منظور، تنها دو بعد از این مفهوم را مدنظر قرار می‌دهیم: نخست، با توجه به برجسته بودن موضوع «برابری حقوق زنان و مردان» در جامعه ایران و به‌ویژه جایگاه زنان در فعالیت‌های اجتماعی در جامعه، نگرش فعالان هیئت‌ها را به این موضوع می‌سنجیم. دوم، نظر به وجود اقلیت زرتشتی در یزد و چالشی شدن موضوع عضویت یکی از افراد زرتشتی در شورای شهر یزد در سال‌های اخیر، نگاه فعالان هیئت‌ها به اقلیت زرتشتی و حق برابر آنان برای حضور در نهادهای دولتی و عمومی را بررسی می‌کنیم.

جدول ۱. شاخص‌ها و مصادیق موردسنجش در بخش تجربی مقاله

Table 1. Indicators and Sub-Indicators Measured in the Experimental Part of the Article Table1-

مصادیق‌ها	زیرشاخص‌ها	شاخص‌های اصلی
نگاه فعالان هیئت‌ها به زنان	برابری حقوق زن و مرد	برابری
نگاه فعالان هیئت‌ها به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی		
نحوه تعامل فعالان هیئت‌ها با زرتشتیان	برابری حقوق اقلیت‌های دینی	
نگاه فعالان هیئت‌ها به حضور اقلیت زرتشتی در نهادهای دولتی و عمومی		استقلال از دولت
رابطه هیئت‌ها با نهادهای حاکمیتی از جمله سازمان تبلیغات اسلامی	استقلال سازمانی	
میزان جذب حمایت‌های مالی از سوی نهادهای حاکمیتی	استقلال اقتصادی	
هم‌راستایی با گفتمان حاکمیت	استقلال گفتمانی	

(مأخذ: یافته‌های پژوهشگران)

تکنیک گردآوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه نیمه‌ساخت یافته همراه با مشاهده نسبتاً گسترده وضعیت‌های اجتماعی واقعی است. جامعه آماری این تحقیق را هیئت‌های مذهبی شهر یزد تشکیل می‌دهد. بر اساس مشاهدات و تجربه زیسته نویسندگان مقاله در این هیئت‌ها و مصاحبه اکتشافی با تعدادی از افراد مطلع، گونه‌شناسی اولیه از هیئت‌های مذهبی شهر یزد صورت گرفت. سپس با توجه به این گونه‌شناسی از هرگونه چند نمونه انتخاب شد تا مصاحبه‌هایی نیمه‌ساخت یافته با آن‌ها صورت گیرد. در کل با ۲۲ نمونه از ۱۵ هیئت مذهبی شهر یزد مصاحبه صورت گرفت. نمونه‌ها از میان رؤسای هیئت، اعضای هیئت‌امنا، شاعر هیئت، مداح و نوحه‌خوان و عضو فعال هیئت انتخاب و نمونه‌گیری به صورت نظری و هدفمند انجام شده است؛ و انتخاب نمونه‌ها و انجام مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

جدول ۲. مشخصات پاسخگویان

Table 2. Profile of Respondents

شماره پاسخگو	سن پاسخگو	نام هیئت	شماره پاسخگو	سن پاسخگو	نام هیئت
1	40	بعث	12	65	شیخداد- نینوا آزادشهر
2	38	بعث	13	55	فهادان
3	50	یزدباف	14	38	بعث
4	70	خلف باغ	15	50	مالمیر
5	40	کوچه بیوک	16	50	علقه امامشهر
6	50	چهارمنار	17	22	انصار ولایت
7	48	کوی سعدی، کوچه بیوک و ...	18	55	رزمندگان اسلام
8	35	حسینی محمود آباد	19	40	شیخداد
9	45	باغ گندم	20	55	مالمیر، چارمنار، یعقوبی و ...
10	28	بعث	21	36	رزمندگان اسلام
11	40	کوچه بیوک- آبشور	22	30	رایه الهدی

برای تحلیل داده‌ها از تکنیک کدگذاری موضوعی بهره گرفته شد (Flick, 346-341: 2008). پیش فرض اصلی در این تکنیک آن است که در گروه‌ها یا جهان‌های اجتماعی گوناگون (در اینجا، گونه‌های گوناگون هیئت‌های مذهبی) می‌توان دیدگاه‌های متفاوتی را در ارتباط با مفاهیم اصلی تحقیق پیدا کرد. تحلیل متن در این روش عبارت است از کدگذاری و دسته‌بندی عبارت‌ها و روایت‌ها در چارچوب مفاهیم مورد نظر تحقیق و تشریح تفاوت‌ها و مشابهت‌های میان فعالان گونه‌های مختلف هیئت‌های مذهبی. به هر حال با توجه به محدود بودن دامنه تحقیق و شواهد گردآوری شده، نویسندگان مدعی «کفایت عینی»^۱ بحث خود نیستند ولی ادعای «کفایت ذهنی»^۲ آن را دارند. منظور از کفایت ذهنی آن است که وقتی ادعاها و دلایل تجربی مقاله توسط خواننده مرور می‌شود، این ادعا

1. Objective Adequacy
2. Subjective Adequacy

برایش قانع کننده و به لحاظ تجربی قابل بررسی بیشتر است؛ به عبارت دیگر، ادعای مقاله برای مخاطب مسموع است نه تعجب آور. برای نشان دادن «کفایت عینی» به انجام مطالعات پیمایشی و تطبیقی گسترده‌تری نیاز است

یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که نویسندگان مقاله درجایی دیگر نشان داده‌اند (Morshedi et al, 2020)، هیئت‌های مذهبی شهر یزد را می‌توان در سه گونه «بازاندیش»، «هویت‌اندیش» و «مکتب‌اندیش» قرار داد. در ادامه، بر اساس این گونه‌شناسی و بر اساس شاخص‌ها و مصادیق موردنظر مقاله (جدول شماره ۱) در ادامه یافته‌های تحقیق ارائه می‌گردد.

استقلال هیئت‌های مذهبی از حاکمیت

بر اساس یافته‌های تحقیق، هر سه گونه هیئت‌های مذهبی شهر یزد به لحاظ استقلال گفتمانی، سازمانی و اقتصادی از حاکمیت باهم تفاوت‌هایی دارند. تا آنجا که به مرزهای هویتی شیعه و حفظ و تقویت این مرزها مربوط است، هیئت‌های هویت‌اندیش به لحاظ گفتمانی رابطه خوبی با نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک نظام شیعی، دارند و البته این رابطه دوطرفه است؛ از یک طرف، این هیئت‌ها تأمین‌کننده مشروعیت نظام هستند؛ و از سوی دیگر، نظام آن‌ها را حمایت و پشتیبانی قرار می‌کند. با این حال، از آنجا که این هیئت‌ها اصولاً تلاش دارند به مسائل سیاسی ورود پیدا نکنند و از تبدیل شدن به «هیئت‌های سیاسی» پرهیزند، در مورد گفتمان سیاسی نظام رویکردی نسبتاً مبهم دارند و حتی می‌توان گفت نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. رابطه سازمانی هیئت‌ها با حاکمیت عمدتاً در رابطه آن‌ها با سازمان تبلیغات اسلامی تجلی می‌یابد. هیئت‌های هویت با این سازمان تعامل خوبی دارند و از آن انتظار نظارت بر محتوای نوحه‌ها را دارند و معتقدند اگر این نظارت حالت «قیم‌آبانه و دستوری» نداشته باشد، مانع ورود «کزی‌ها و خرافات» به هیئت‌ها و تغییر «جای حق و باطل» می‌شود:

بعضی آسیب‌هایی که وارد عزاداری شده است سبب تشکیل این نهادها [سازمان

تبلیغات اسلامی] و برگزاری این جلسات [جلسات مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی با هیئت‌ها] شده است تا آسیب‌ها را شناسایی کنند، به فکر اصلاح آن باشند و پیشنهادهایی بدهند. ... حتماً هیئت‌ها باید در سامانه «طوبی» ثبت شده باشند و شعرشان را در شورای تبلیغات بخوانند که در آن خرافه‌گویی، اغراق، مطالب کذب، مطالب نافی وحدت بین مذاهب و توهین به مذاهب نباشد (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

به لحاظ اقتصادی، همه شواهد حاکی از استقلال این گونه هیئت‌ها از دولت است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۶ در این باره می‌گوید: «این هیئت کاملاً مردمی و خودجوش است و از جانب دولت هیچ کمکی به ما نمی‌شود. ما دو واحد تجاری و چند واحد مسکونی و یک باشگاه داریم که با اجاره آن‌ها هزینه‌های هیئت و حسینه پرداخت می‌شود.» مصاحبه‌شونده شماره ۴ نیز وجود «ندورات» و «وقفیات» برای حسینه را راه تأمین هزینه‌های جاری هیئت می‌داند. برخی هیئت‌ها نیز با داشتن بانی و خیرین ثابت، هزینه‌های هیئت را می‌دهند.

با توجه به باور فعالان هیئت‌های بازانندیش که «تشیع یک جناح اپوزیسیون علیه حاکمیت زمان خویش است که به قول شریعتی با یک نه آغاز شد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱)، آنان معتقدند هیئت‌های مذهبی باید به‌عنوان یکی از رسانه‌های شیعه نقش منتقد هر حکومتی در جامعه اسلامی را ایفا کند و به‌ویژه با یادآوری وضعیت حکام اموی و غلبه زر و زور و تزویر در میان آنان، نسبت به رشد دنیاطلبی در میان حاکمان و استفاده ابزاری از اعتقادات و ارزش‌های دینی در همه زمان‌ها و مکان‌ها هشدار دهد. بر این اساس، این گونه هیئت‌ها به لحاظ گفتمانی منتقد حاکمیت جمهوری اسلامی هستند و تلویحاً برخی سیاست‌ها و عملکردهای نظام جمهوری اسلامی ایران را مورد انتقاد قرار می‌دهند، به‌ویژه آن دسته از سیاست‌ها یا عملکردهایی که باعث رشد ریا و تزویر و دین‌گریزی در جامعه شده و یا در آن افرادی از جامعه مورد ظلم قرار می‌گیرند. فعالان برخی از این هیئت‌ها نیز چندان با رویکرد سازمان تبلیغات اسلامی همسویی و همراهی ندارند. لازم به ذکر است در سال‌های اخیر سازمان تبلیغات اسلامی اقدام به هویت‌دار و شناسنامه‌دار کردن هیئت‌های

مذهبی کرده است و ضمن برگزاری جلساتی با سرپرستان هیئت‌های مذهبی، از همه هیئت‌ها خواسته شده اطلاعات هیئت را در سامانه‌ای به نام طوبی (بانک اطلاعات تشکل‌های دینی سازمان تبلیغات اسلامی) ثبت کنند. همچنین در سال‌های اخیر، این سازمان سازوکارهایی را برای نظارت بر نحوه‌های هیئت‌ها ایجاد کرده است که مورد انتقاد و بی‌توجهی برخی فعالان این گونه هیئت‌ها قرار گرفته است:

ما به این حرف‌ها [تذکرات سازمان تبلیغات اسلامی] توجهی نداریم. (مصاحبه‌شونده

شماره ۲).

فعالان این گونه هیئت‌ها نسبت به هر گونه وابستگی مالی هیئت به دولت حساس هستند و تقریباً تمامی اعضای فعال این هیئت‌ها بالاتفاق، هیئت خود را متکی به «نذورات مردمی» و «کمک‌های خیرین» و «مستقل از کمک‌های دولت» اعلام می‌کنند. یکی از فعالان هیئت بعثت، به‌عنوان یکی از هیئت‌های پیشرو این گونه، علاوه بر کمک‌های مردمی، «داشتن موقوفات» و «اجاره دادن حسینیه برای کارهای فرهنگی» را یکی از درآمدهای هیئت برای هزینه‌های محرم بیان می‌کند.

درحالی‌که هیئت‌های بازانندیش اصولاً رویکردی انتقادی به گفتمان جمهوری اسلامی ایران دارند و هیئت‌های هویت‌اندیش نیز مرزهای هویتی نظام را می‌پذیرند اما نسبت به رویکرد سیاسی نظام تقریباً بی‌تفاوت هستند، فعالان هیئت‌های مکتب‌اندیش اصولاً جریان نهضت اسلامی دهه‌های اخیر در ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران را در امتداد نهضت امام حسین ارزیابی می‌کنند و رسالت خود را حمایت تمام‌عیار از این نهضت و نظام می‌دانند و لذا به لحاظ گفتمانی ارتباط نزدیکی میان خود و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌کنند. از این منظر، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ از «مدنظر قرار دادن سیاست‌های بالادستی نظام جمهوری اسلامی توسط هیئت» سخن می‌گوید. فعالان این هیئت‌ها همچنین ارتباط نزدیکی با سازمان تبلیغات دارند طوری که به بیان مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، رئیس هیئت انصار ولایت به مسئولان «سازمان تبلیغات اسلامی» و برخی دیگر از نهادهای حاکمیتی در مورد «مسائل فرهنگی مشاوره می‌دهد.» همچنین

یکی از اعضای هیئت رزمندگان اسلام از درخواست‌ها و اعتراض‌های سال‌ها پیش خود به سازمان سخن می‌گوید:

«ما به شورای تبلیغات هم اعتراض کردیم که نزدیک به ۱۴۰۰ هیئت که در یزد وجود دارد، تعداد کمی از آن‌ها ولایی هستند بسیاری از مدیریت این هیئت‌ها خان و خان بازی و مدیریت موروثی است. شورا با نظارت خود سعی در گماردن انسان‌های باتقوا و انقلابی در مدیریت آن نمی‌کند».

از حیث اقتصادی، هیئت‌های مکتب‌اندیش همانند گونه‌های دیگر تا حد زیادی استقلال مالی از دولت و نهادهای حاکمیتی دارند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ مخارج هیئت را وابسته به «کمک‌های مردمی» اعلام می‌کند. او «صرفه‌جویی در هزینه‌های هیئت مثل دستمزد شاعر و مداح» را یکی از راه‌های سامان‌یابی امورات مالی هیئت برمی‌شمارد. با این حال، به دلیل همسویی گفتمانی این گونه هیئت‌ها با حاکمیت، نشانه‌هایی حاکی از حمایت برخی نهادهای حاکمیتی به این هیئت‌ها وجود دارد. به‌عنوان مثال، یکی از فعالان هیئت‌های مکتب‌اندیش در میان به کمک‌های سازمان تبلیغات اشاره دارد. یا یکی دیگر از فعالان این گونه هیئت سخن از کمک‌های خودخواسته این سازمان به هیئت به میان می‌آورد.

در مجموع، می‌توان گفت دو گونه هیئت‌های بازان‌اندیش و هویت‌اندیش تا حد قابل توجهی به لحاظ گفتمانی، سازمانی و اقتصادی مستقل از حاکمیت هستند اما گونه مکتب‌اندیش به تبع اینکه به لحاظ گفتمانی با حاکمیت همسو است، به لحاظ سازمانی و اقتصادی نیز وابستگی نسبی به حاکمیت دارد.

هیئت‌های گونه هویت‌اندیش و زنان

فعالان این گونه هیئت‌ها بر جنبه‌های متفاوت فطری و روحی/عاطفی زنان از مردان تأکید دارند و بر این اساس، تفاوت حقوق اجتماعی زنان و مردان را امری بدیهی می‌دانند. تصویری که در نوحه‌های این گونه هیئت‌ها از حضرت زینب(س) به‌عنوان مهم‌ترین زن در صحن عاشورا، ارائه می‌شود عبارت است از انسانی عاطفی، وفادار، مظلوم و ستم‌دیده:

وقت جدایی رسید / ز دیده‌ها خون چکید
برادرم خدانگهدار / به قتلگاه رَسَم به دیدار
ز نینوارسد به گوش، هر دم، ندایی / که تلخ و آتشین بود درد جدایی
بگو برادر، من به گوشم / چو خون ظلمت، در خروشم
چو لاله‌های سرخ زهرا / کفم ز خون خود بپوشم

فعالان این هیئت‌ها هرچند حق مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند، اما این پذیرش بیشتر با اکراه همراه است چون آنان بر نقش همسری و مادری زن بیش از نقش اجتماعی او تأکید دارند. در اینجا به وقار و عفاف و نجابت زن بیش از شجاعت و صلابت او تأکید می‌شود و وفاداری زن به خانواده و تلاش برای حفظ ارزش‌های خانواده تحسین می‌شود. در زمینه مشارکت زنان در مراسم هیئت نیز، عمدتاً بر نقش «پرده‌نشینی» و «ناظر (تماشاکننده)» زنان و پشتیبانی احساسی آنان از مراسم تأکید دارند. یکی از شاعران هیئت‌های هویت اندیش می‌گوید:

«من عزاداری یزد را عزاداری مردانه می‌دانم و زن‌ها با سکوت و با تماشا کردنشان مردها را همراهی می‌کنند و در پشت پرده هستند. این نوع سینه زدن مثل شمشیرهای آخته بالا و پایین می‌آید که کاملاً مردانه است.»

البته در سال‌های اخیر و با رسمیت یافتن هیئت‌امنائی هیئت‌ها، سعی شده برای رسیدگی به «امورات زنان در هیئت» یک «رابط خانم» در هیئت‌امنا حضور داشته باشد و «واسط بین رئیس و قسمت زنان» باشد. معمولاً ترجیح آن است که این خانم با رئیس هیئت «محرّم» باشد. به باور برخی از فعالان این هیئت‌ها، حضور «خانوادگی» در هیئت یکی از ویژگی‌های بارزی است که در هیئت‌های یزدی بیشتر از هیئت‌های شهرهای بزرگی چون تهران نمود پیدا کرده است. خانواده‌محوری ویژگی‌ای است که به شکل دیگر از زبان مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ گفته شده است. برای مثال او در مورد اثرگذاری زنان در هیئت می‌گوید:

«آنها نمی‌توانند مستقیماً نظرشان را اعمال کنند ولی در خانه روی برادر، پدر و

همسرشان تأثیر دارند. زنان که به غرفه حسینه می‌روند وقتی بازمی‌گردند در خانه به مردانشان می‌گویند من از نوحه و یا نظم فلان هیئت لذت بردم. بنابراین این باعث می‌شود مردان از کار آن هیئت الگو بگیرند».

هیئت‌های گونه هویت‌اندیش و اقلیت‌های دینی

شهر یزد از جمله شهرهایی است که از دیرباز اقلیت زرتشتی در آن حضور داشته است و در طول تاریخ رابطه میان مسلمانان و زرتشتیان در این شهر پرفراز و فرود بوده است (مرشدی و علی‌نژاد، ۱۴۰۰)؛ اما در یک‌صد سال گذشته با اجتهاد برخی علمای برجسته شیعی از یکسو و فعالیت‌های عام‌المنفعه زرتشتیان در شهر یزد از سوی دیگر، پذیرش اجتماعی آنان در میان عموم مردم روند شتابانی را طی کرده است. باین‌همه همچنان سطح و نوع ارتباط با زرتشتیان برای عموم مردم، به‌ویژه برای مردم متدین و متشرع همچنان «مسئله‌دار» است. در سال‌های اخیر با چالشی شدن عضویت یکی از اعضای زرتشتی یزد در شورای اسلامی شهر یزد (که با رأی قابل توجه مردم یزد به شورا راه یافته بود)، رابطه مسلمانان با زرتشتیان دوباره به‌نوعی به «مسئله» تبدیل شد. در سنجش نسبت میان هیئت‌های مذهبی با جامعه مدنی، طبعاً سنجش دیدگاه فعالان هیئت‌های مذهبی نسبت به موضوع زرتشتیان و عضویت آنان در شورای شهر می‌تواند شاخص معنادار و پراهمیتی باشد. البته در مصاحبه با فعالان هیئت‌های مذهبی، اغلب پاسخگویان میل و رغبت زیادی به صحبت و موضع‌گیری درباره این موضوع نداشتند، بدان جهت که این موضوع به موضوعی سیاسی تبدیل شده بود تا جایی که موضوع به نهادهای کلان حاکمیتی ارجاع شده بود. باین‌حال، میان نوع نگاه فعالان هیئت‌های سه‌گانه به این موضوع تفاوت‌هایی وجود داشت.

فعالان هیئت‌های هویت‌اندیش سنت مدارا و تساهل با زرتشتیان را دارای اهمیت

می‌دانند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید:

«امامزاده سید صحرا که بقولی نوه امام چهارم است مورداحترام زرتشتیان یزد است. چراکه ایشان را منتسب به بانو شهربانو که اصالتاً زرتشتی و همسر امام حسین بوده‌اند می‌دانند ما معتقدیم عیسی به دین خود موسی به دین خود».

این بیان وی نگاه مسالمت‌جویانه فعالان این هیئت‌ها و دوری آنان از هرگونه تنش فکری و هویتی به دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی بین مسلمانان و زرتشتیان در یزد را نشان می‌دهد. وی همچنین اعتقاد دارد:

«بحث کربلا از نظر عاطفی و اخلاقی بسیاری از غیرمسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی نیز مصلحت را در همگرایی و انسجام همگان به دلیل ملیت و ساختارهای کلان مشترک می‌دانند.»

به نظر می‌رسد در مورد بحث حضور اقلیت زرتشتی در نهادهای تصمیم‌ساز دولتی و عمومی، برخی از اعضای فعال هیئت‌های هویت‌اندیش بی‌طرفانه برخورد می‌کنند تا همچنان انسجام و همبستگی‌ای که در طول تاریخ با همزیستی میان زرتشتیان و مسلمانان بوده است، استمرار یابد. آن‌ها اظهارنظر در مورد آن را خارج از حیطه «دانش و وظایف» خویش می‌دانستند. به عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۸ اعتقاد دارد که باید از «نظر اهل خبره» پیروی کرد و به «قانون» کشور احترام گذاشت. مصاحبه‌شونده شماره ۹ نیز در این رابطه می‌گوید:

این نقطه قوت یزد است. خیلی از زرتشتیان ارادت خاص به امام حسین دارند. بعضی نذورات هم می‌دهند. آن‌ها امام حسین را داماد خود می‌دانند. ... این استدلال که می‌گویند در شهر مسلمان نباید عضو شورای شهر زرتشتی داشته باشد درست نیست. در قدیم زرتشتیان با مسلمانان دادوستد داشتند. این نباید موجب از بین رفتن وحدت شود. ... بیمارستان بهمن و مدرسه کیخسروی را یک زرتشتی ساخته ولی مسلمانان نیز از آن استفاده می‌کنند.

هیئت‌های گونه بازاندیش و زنان

در نگاه اعضای هیئت‌های بازاندیش بر جنبه‌های مشترک فطری و انسانی زنان و مردان تأکید می‌شود و در نوحه‌ها تلاش می‌شود از مفاهیم و واژگان جنسیت‌زده پرهیز شود. «زنان و مردان نباید از هم جدا باشند بلکه مکمل یکدیگرند. نگاهم برابری زنان و مردان با حفظ موازین شرعی و عرفی است، البته فرهنگ آن‌هم باید جا بیفتد.» حضرت زینب در

نوحه‌های این هیئت‌ها به‌عنوان زنی با صلابت و خودساخته و پیام‌آور آزادگی و ظلم‌ناپذیری معرفی می‌شود:

همیشه مداحان و روضه‌خوانان این جور جلوه دادند که زمانی که حضرت زینب بالای جنازه امام حسین آمدند بر روی جنازه افتادند و خاک به‌سر کردند و آه و ناله. ولی حال ببینید ما از چه منظری نگاه کردیم: چون رعد فرو آمد بالای سر خورشید/ چون صاعقه می‌افتاد چون زلزله می‌پیچید. شما به کلمات دقت کنید، رعد، صاعقه، زلزله. این‌ها بیانگر عظمت زینب است نه کوچک شدن زینب. (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰)

یا در نوحه‌ای دیگر، در یکی از هیئت‌ها در مورد حضرت زینب خوانده می‌شود:

کیست این قیامت، هان! / زینب است یا طوفان

آنکه می‌کشد قامت / در هوای آزادی

و از زبان حضرت زینب هم چنین می‌خوانند:

ما و بندگی هیهات / ننگ زندگی هیهات

در مرام ما کفر است / ظلم جای آزادی

در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، فعالان این هیئت‌ها بر حضور زنان در جامعه با رعایت «عرف جامعه» تأکید دارند. با این حال و به‌رغم نوحه‌های این هیئت‌ها و نیز به‌رغم گرایش برخی از فعالان هیئت‌ها به‌ویژه نسل‌های جوان‌تر هیئت، حضور زنان در این هیئت‌ها تفاوت محسوس و معناداری با حضور زنان در هیئت‌های هویت‌اندیش ندارد و نقش زنان در این هیئت‌ها از نقش پرده‌نشینی و ناظری (تماشاکنندگی) و پشتیبانی احساسی هیئت فراتر نمی‌رود. با این حال، زنان در سرودن نوحه‌ها نقش پررنگی ایفا می‌کنند:

«خانم‌های فهمیده و روشنفکر در پشت پرده هیئت اثرگذارند. مثلاً مادر آقای پهلوان نصیر که خانم عالمه‌ای بوده‌اند در شعرهایی که پسرشان می‌گفتند مشاوره‌های خوبی می‌دادند و بسیار از شعرها را ایشان اصلاح می‌کردند. بسیاری از امورات در خانه‌ها شکل می‌گیرد. مثلاً آقای حافظی در خانه نوحه را می‌خواند، خانمشان می‌گوید نه اگر این‌طور

بخوانی بهتر است. خانواده چون سال‌ها به این موضوع نزدیک بوده‌اند سرشان می‌شود. تقریباً یک کارشناس هستند.»

هیئت‌های بازانندیش و اقلیت‌های دینی

نگاه فعالان هیئت‌های بازانندیش به هویت اقلیت‌های زرتشتی به نگاه کثرت‌گرایانه نزدیک است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید:

«بحث نجس و پاکی دیگر در بین حتی هیئت‌یون هم وجود ندارد. شاید کمتر از ۱۰ درصد در بین افراد مذهبی دیدگاه متضاد دارند. اتفاقاً ما اگر یک زرتشتی به هیئت بیاید ده برابر بیشتر تحویلش می‌گیریم. این فرهنگ کاملاً نهادینه شده که دیگر درگیری وجود ندارد. ببخشید، شاید اگر امام‌جمعه وارد هیئت شود چند متلک هم بشنود ولی زرتشتی نه.»

برخی از فعالان این‌گونه هیئت‌ها اعتقاد دارند افراد، بدون در نظر گرفتن عقاید و مذهبشان به‌عنوان «شهروند این جامعه» محسوب می‌شوند و باید حقوق مدنی یکسانی داشته باشند. مصاحبه‌شونده شماره ۲ این نوع نگاه را بر روح جمعی حاکم بر هیئت نیز صادق می‌داند. برخی نیز «روحیه تساهل» و «زندگی مسالمت‌آمیز زرتشتیان و مسلمانان» در یزد را پیشگام برای معرفی این شهر به‌عنوان «میراث جهانی» برمی‌شمارند و با اشاره به ساخت تعدادی مدرسه و بیمارستان توسط زرتشتیان در یزد و استفاده مسلمانان از آن‌ها، از سابقه طولانی همزیستی مسلمانان و زرتشتیان در یزد سخن می‌گویند.

با پرسش از اعضای فعال در این هیئت‌ها در مورد حضور اقلیت زرتشتی در نهادهای تصمیم‌ساز دولتی و عمومی، می‌توان دریافت که تقریباً نگاه فرادینی بر نگاه آن‌ها حکم‌فرماست. عضو فعال هیئت بعثت، اقلیت‌ها را «شهروندان عادی جامعه» می‌داند. همچنین برخی دیگر از آن‌ها «انسانیت» را شرط مهم برای تصدی امور معرفی می‌کنند و داشتن «حسن سابقه افراد در خدمت به مردم»، «تخصص کافی» و «نداشتن مشکل اخلاقی» را در کنار آن مهم می‌شمارند. برخی نیز براین باورند که فعالیت یک اقلیت در نهادهای دولتی و مدنی خلاف «قانون نیست» و «احترام به رأی مردم» لازمه یک «حکومت دموکراتیک» است. بنابراین به نظر می‌رسد که برخی از اعضای فعال هیئت‌های بازانندیش

جدای از بحث حقوقی فعالیت اقلیت‌های دینی در نهادهای تصمیم‌ساز دولتی و عمومی، به برابری فطری و ذاتی انسان‌ها می‌اندیشند و کمتر به تمایزات مذهبی کار دارند.

هیئت‌های گونه مکتب‌اندیش و زنان:

نگاه اعضای هیئت‌های مکتب‌اندیش نسبت به زنان معطوف به جنبه‌های متفاوت فطری و روحی آنان است. در نوحه این هیئت‌ها حضرت زینب به‌عنوان زنی عفیف و البته پیام‌آور دفاع از ولایت و ولایتمداری معرفی می‌شود که حاضر است جانش را برای دفاع از عقیده و عفتش اهدا کند:

زینب عفیفه‌ای است که در راه عفتش

عباس می‌دهد اما نخ معجز نمی‌دهد.

در این هیئت‌ها نیز خانواده‌مداری و تربیت فرزند مهم‌ترین رسالت زن در نظر گرفته می‌شود. با این حال، با توجه به رسالت زن در ولایتمداری و دفاع از حریم ولایت، زنان به‌شرط انجام رسالت اصلی خود و به‌شرط حفظ «حریم شرعی»، می‌توانند در جامعه فعالیت اجتماعی داشته باشند. به بیان مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، شاعر هیئت انصار ولایت، باید «کرامت و وقار زن/ حیا و عفت زن» حفظ گردد. وی در مورد نگاه خود و نگاه هیئت در مواجهه با بحث حضور فعال زنان می‌گوید:

«نگاه ما مطابق با نگاه اسلام این است که حضور زنان در فعالیت و تکالیف اجتماعی با مردان یکسان است. عرصه‌های آن‌هم تفاوتی ندارد. منتهی باید در این فعالیت‌ها جنبه‌های خلقی، عاطفی و جسمی زن لحاظ شود... بحث حیا و عفت زن بسیار مهم است. نباید امتزاج با مرد پیش بیاید. اگر هم چاره‌ای در اختلاط نبود حجاب مانع بی‌عفتی می‌شود. همچنین زن از وظیفه اصلی خود یعنی خانه‌داری و تربیت فرزند نباید غافل شود. به‌رحال چون خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است، خانه‌داری هم یک وظیفه اجتماعی تلقی می‌شود. تربیت همه کارگزاران سیاسی، ورزشکاران، هنرمندان و بقیه به عهده زنان در نقش مادر است.»

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ در ادامه می‌گوید که گرچه می‌توان هم در «عرصه بیرون از

خانه و هم‌خانه‌داری و تربیت فرزند مشغول بود» ولی اگر «اختلال» در همسرداری، تربیت فرزند و خانه‌داری رخ داد، باید زن از کار بیرون دست بکشد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ نیز زن را «محور و ملکه خانواده» می‌نامد که این نشان از اهمیت خانواده‌گرایی از نگاه آن‌هاست. البته برخی از آن‌ها در یک سوی طیف، فعالیت و مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی را یک توطئه می‌خوانند که «توسط غرب‌زده‌ها در ایران رواج پیدا کرده است». در این هیئت‌ها «واحد خواهران» به صورت فعال اما مجزا از «واحد برادران» وجود دارد و برنامه‌هایی را ویژه خواهران برگزار می‌کند. نقش پرده‌نشینی و تماشاگر بودن در هیئت‌های دو گونه قبلی جای خود را به نقش فعال اما مجزای زنان در این هیئت‌ها می‌دهد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ در این باره می‌گوید: «برنامه‌هایی که با ما مشارکت دارند تنها با یک پرده حائل جدا می‌شویم. ارتباط دو بخش واحد خواهران و برادران با رابط محرم که هر دو عضو هیئت‌اند صورت می‌پذیرد. البته در مباحث کاری هیئت زنان و مردان اصلاً بر سر یک میز نمی‌نشینند».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ نیز در مورد هیئت رزمندگان اسلام می‌گوید:

«ما سه هیئت داریم، یکی هیئت خواهران، یکی نوجوانان و جوانان و دیگری فرزندان خردسال که یک اتاق جداگانه با اسباب و لوازم مخصوص خود دارد. وقتی خانواده‌ها به هیئت می‌آیند کودکان را به این هیئت می‌سپارند تا حین عزاداری خسته و اذیت نشوند. اکنون طوری شده است که کودکان والدین خود را مجبور می‌کنند که به هیئت بیایند. آن‌ها (زنان) مدیریت، مقرر و برنامه جداگانه دارند و مستقل‌اند. اسم هیئت آن‌ها عترت خواهران است. در موازات ما کار می‌کنند و کاری به کار ما ندارند و در هیئتشان فقط زنان شرکت می‌کنند.»

هیئت‌های گونه مکتب‌اندیش و اقلیت‌های دینی

مصاحبه‌شوندگان ۱۷ و ۲۲ درباره مرآده با زرتشتیان، با استناد به «فتوای رهبری» آن‌ها را «پاک» می‌شمارند و خرید و فروش با آن‌ها را «مباح» می‌دانند. این استناد گرچه برای مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ نیز قابل اعتبار است ولی به گفته خود با اکراه به یک زرتشتی

دست می‌دهد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ البته مرادده را با زرتشتیان را به «شرط عدم تأثیرگذاری بر اعتقادات خود و اطرافیان خویش» اعلام می‌کند و دیگری از جنبه «مصلحت و انسانی» آن را می‌پذیرد. همچنین در مورد حقوق و وظایف زرتشتیان می‌گوید: «به لحاظ اجتماعی این بزرگواران جز چهار مذهب شناخته‌شده در ایران هستند. بنابراین حکومت و مسلمانان موظف هستند از جان و مال و آبروی آن‌ها محافظت کنند. آن‌ها هم تکالیفی به گردن دارند. باید از آبرو و مال و جان مسلمانان مراقبت کنند. از تبلیغ علیه اسلام و تبلیغ علنی دین خود و جذب مسلمین پرهیزند. باید یک مبلغی را به‌عنوان ذمه به مسلمانان بدهند که فکر نمی‌کنم حکومت جمهوری اسلامی چنین درخواستی را از آن‌ها داشته باشد. علاقه آن‌ها به امام حسین به دلیل اینکه ایشان را داماد خود می‌دانند برای ما پسندیده است و ما از آن استقبال می‌کنیم و به همین دلیل می‌خواستیم از چند زرتشتی دعوت کنیم که به هیئت بیایند و درباره امام حسین سخنرانی کنند (مصاحبه‌شونده شماره ۱۷)».

به نظر می‌رسد این نگاه همراه با اکراه نسبت به مرادده با زرتشتیان، تعامل و رابطه مؤثری را سبب نمی‌شود مگر آنکه تقید به فتوای رهبری، باب مصلحت‌اندیشی را برایشان باز کند. این نوع نگاه ظاهراً در بحث ورود اقلیت زرتشتی به نهادهای تصمیم‌ساز دولتی و عمومی نیز تسری یافته است زیرا با توجه به گفته‌هایشان تا حدودی می‌توان دریافت که موضع آن‌ها در قبال این موضوع، موافقت همراه با اکراه است. مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ درباره پذیرش این عضویت از سوی نهادهای حاکمیتی می‌گوید:

«رفع افسد به فاسد است. وگرنه از نظر فقهی تسلط یک غیرمسلمان بر جماعت مسلمان حرام است. حکم خدا قابل تغییر نیست. هر جا از احکام اسلامی کوتاه آمدیم ضرر کردیم. برای اینکه جلوی یک فتنه گرفته شود باید پذیرفت. قرآن می‌گوید یهود و نصارا از شما راضی نمی‌شوند مگر به دین آن‌ها درآیی و از اسلام دست بکشی».

البته مخالفت برخی از فعالان هیئت‌های گونه مکتب‌اندیش دلایل معرفتی دارد که

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ بدین گونه شرح می‌دهد:

«در مورد ورود اقلیت‌های دینی به نهادهای دولتی و عمومی باید مفصل بیان کنم که از نظر عقلی باید گفت که کشور ما اکثریت مسلمان و شیعه دارد. مردم هم با انقلاب اسلامی خود خواهان برپایی قوانین اسلامی شدند. بعد از تدوین قوانین اسلامی نوبت به ساختار سیاسی و حکومتی اسلامی سپس جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی می‌شود. نخبگان و متولیان امر در ساختار سیاسی که تصمیم‌ساز امور کشور و اجراکنندگان آن هستند باید اسلام‌شناس و یا حداقل مسلمان باشند و احکام اسلامی را معجزی امور بدانند. حال چگونه ممکن است فردی وارد این ساختار شود که نه تنها اسلام‌شناس نیست بلکه در برخی از اظهارات مطالبی را گفته است که با ضروریات اسلام مغایرت دارد. این یعنی فردی وارد ساختار شده است که معتقد به رسیدن هدف غایی بالادستی نظام یعنی جامعه و تمدن اسلامی نیست. هدف هیئت بر روی همین هدف کلان ریل‌گذاری شده است.»

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله با الهام از آرای توکویل درباره جامعه مدنی و بر اساس بررسی دیدگاه‌های فعالان و مضامین نوحه‌های هیئت‌های مذهبی شهر یزد، کوشیدیم نسبت هیئت‌های مذهبی با ویژگی‌های جامعه مدنی در بستر جامعه ایران را بررسی کنیم. با توجه به اهمیتی که توکویل برای انجمن‌ها در جامعه مدنی قائل است تلاش مقاله بر این بود که به دو پرسش زیر پاسخ گوید: نخست، آیا هیئت‌های مذهبی به میزان کافی از حاکمیت مستقل هستند که بتوانند، به تعبیر توکویل، به‌عنوان «چشم جامعه» یا «هیئت‌های میاندار» عمل کنند؟ دوم، آیا هیئت‌های مذهبی ترویج‌کننده حقوق برابر همه افراد جامعه، به‌عنوان ویژگی اصلی موردنظر توکویل برای جامعه مدنی، هستند؟ در این مقاله گونه‌شناسی صورت گرفته از هیئت‌های مذهبی که توسط نویسندگان در مقاله دیگری بسط یافته است (Morshedi et al, 2020) مبنا قرار گرفت. بر اساس یافته‌های تحقیق تجربی، هر سه گونه هیئت‌ها را می‌توان به درجات مختلف مستقل از حاکمیت دانست، اما تفاوت‌های ظریف و درعین حال مهمی میان آنان وجود دارد. هیئت‌های گونه مکتب‌اندیش به لحاظ گفتمانی تقریباً هم‌راستا و هماهنگ با گفتمان حاکمیت هستند و به لحاظ سازمانی و اقتصادی وابستگی‌هایی

مستقیم و غیرمستقیم به برخی نهادهای وابسته به حاکمیت دارند و بر همین اساس، در بسیاری موارد به‌عنوان «مشاور» این نهادهای حاکمیتی عمل می‌کنند. هیئت‌های هویت‌اندیش به لحاظ اقتصادی و سازمانی مستقل از حاکمیت هستند و به لحاظ گفتمانی هرچند همانند هیئت‌های گونه قبلی با گفتمان حاکمیت همسو نیستند اما به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم «مؤید» این گفتمان هستند. هیئت‌های گونه بازاندیش در مقایسه با دو گونه دیگر، استقلال سازمانی و اقتصادی و گفتمانی آشکارتری دارند تا جایی که به لحاظ گفتمانی می‌توان این گونه را «منتقد» گفتمان حاکمیت نامید.

در ارتباط با پرسش دوم، دیدگاه فعالان هیئت‌های مذهبی در مورد حقوق زنان و اقلیت زرتشتی (به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت دینی در یزد) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در اینجا نیز تفاوت‌های ظریفی میان سه گونه هیئت‌ها وجود دارد. هیئت‌های هویت‌اندیش با تکیه بر تفاوت‌های روحی و عاطفی زنان و مردان، بر تفاوت‌های «هویتی» آنان تأکید دارند و لذا تفاوت در نقش آنان در جامعه و به‌تبع آن، تفاوت در نوع حقوق آنان را بدیهی قلمداد می‌کنند. هیئت‌های گونه مکتب‌اندیش نیز در این زمینه شباهت زیادی با هیئت‌های گونه هویت‌اندیش دارند جز اینکه بر نقش «فعال‌تر» زنان در جامعه به‌شرط «تفکیک» مناسب حوزه فعالیت آنان با حوزه فعالیت مردان تأکید دارند. هیئت‌های گونه بازاندیش بیش از دو گونه قبلی بر جنبه‌های مشترک فطری و انسانی زنان و مردان و به‌تبع آن، برابری حقوق آنان تأکید دارند و لذا بیشتر پذیرای حضور اجتماعی زنان در جامعه هستند. در ارتباط با دیدگاه فعالان هیئت‌های مذهبی در مورد حقوق اقلیت زرتشتی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد گونه هیئت‌های مکتب‌اندیش نگاه «مصلحت‌اندیشانه» به این موضوع دارند، یعنی بر محدودیت حقوق اقلیت‌های غیرمسلمان در جامعه اسلامی تأکید دارند اما بنا بر مصلحت برآمده از قانون اساسی و حکم رهبری نظام اعطای حقوق برابر به آنان را با اکراه می‌پذیرند. گونه هیئت‌های هویت‌اندیش هرچند بر حفظ مرزهای هویتی مسلمانان و زرتشتیان تأکید دارند اما با اتکا به تجربه همزیستی بلندمدت مسلمانان و زرتشتیان در یزد و خدمات متعدد زرتشتیان به یزد، بر حفظ تداوم

همزیستی مسالمت‌آمیز اقلیت زرتشتی در جامعه اسلامی و حفظ حقوق آنان تأکید می‌کنند. گونه هیئت‌های بازاندیش عمدتاً با مبنا قرار دادن اشتراکات فطری انسان‌ها و معیار کلی «انسانیت»، بیش از گونه‌های دیگر بر حقوق برابر اقلیت زرتشتی با مسلمانان تأکید دارند تا جایی که می‌توان گفت در میان فعالان این هیئت‌ها نوعی نگاه مبتنی بر «کثرت‌گرایی» در رابطه با حقوق اقلیت‌ها رشد و نمو یافته است. نکته پراهمیت این است که تفاوت‌های میان گونه‌های سه‌گانه هیئت‌ها که در بالا مرور شد، عمدتاً در سطح «دیدگاه» اعضا و فعالان هیئت‌ها است اما این تفاوت‌ها تا حدی در سطح «عمل» هیئت‌ها نیز بروز یافته است از جمله در «مضامین نوحه‌های» هیئت‌ها و «نوع ارتباط سازمانی و اقتصادی آن‌ها با حاکمیت»؛ اما می‌توان انتظار داشت با تحولات روزافزون جامعه این تفاوت‌ها به تدریج در سطح «عمل» هیئت‌ها ظهور و بروز بیشتری یابد و به تمایز یافتن بیش‌ازپیش گونه‌های مختلف هیئت‌ها منجر شود.

جدول ۳. سه گونه هیئت‌ها و نسبت آن‌ها با برخی ویژگی‌های جامعه مدنی

Table 3. Three Type of Mourning Communities and Their Relationship with Some Characteristics of Civil Society

گونه مکتب‌اندیش	گونه بازاندیش	گونه هویت‌اندیش	
نیمه‌مستقل و مشاور	مستقل و منتقد	مستقل و مؤید	رابطه با حاکمیت
تفکیک جنسیتی	برابری جنسیتی	هویت‌خواهی جنسیتی	برابری حقوق زنان و مردان
نگاه مصلحت‌گرایانه	نگاه کثرت‌گرایانه	نگاه مسالمت‌جویانه	برابری حقوق اقلیت‌ها
جامعه ولایی	جامعه مدنی	جامعه سنت‌گرا	افق جامعه موردنظر

در مجموع و بر اساس آنچه در بالا گفته شد، می‌توان گفت گونه‌های مختلف هیئت‌های مذهبی در ایران نسبت‌های متفاوتی با ویژگی‌های جامعه مدنی دارند. در گونه هیئت‌های هویت‌اندیش، بیش از هر چیز «هویت دینی» اعضای جامعه اهمیت دارد و به همگرایی دینی و حفظ سنت‌ها اهتمام زیادی وجود دارد؛ بنابراین، در عین حال که می‌توان گفت هیئت‌های هویت‌اندیش نوعی سازگاری نسبی با مؤلفه‌های جامعه مدنی دارند، در راستای تقویت ویژگی‌های آن عمل نمی‌کنند و افقی متفاوت یعنی «جامعه‌ای سنت‌گرا» را دنبال


می‌کنند. هیئت‌های مکتب‌اندیش از میان سه گونه هیئت‌های مذهبی کمترین نسبت را با جامعه مدنی دارند. در این هیئت‌ها بر خلوص فکری و اعتقادی اعضا و ترسیم خطوط با «دیگران» تأکید می‌شود و اصولاً افقی بسیار متفاوت با جامعه مدنی، یعنی افق «جامعه‌ای ولایی» برای اعضای هیئت ترسیم می‌شود که برای رسیدن به آن از همه افراد جامعه انتظار آمادگی برای «جهاد» فرهنگی و اعتقادی می‌رود؛ و از میان سه گونه هیئت‌ها، گونه بازاندیش بیشترین نزدیکی و قرابت را با جامعه مدنی دارد و می‌توان گفت بسیاری از پیام‌هایی که از طریق نوحه‌های این هیئت‌ها به جامعه منتقل می‌شود، به نوعی هم‌راستا با ویژگی‌های جامعه مدنی است. به بیان دیگر، هیئت‌های بازاندیش تا حد زیادی به عنوان «نهادی واسطه» عمل می‌کنند که یکی از کارکردهایش «تربیت مدنی» اعضای خود و سایر مردم است و پیام‌هایی که در نوحه‌های این گونه هیئت‌ها منتقل می‌شود، چنین هدفی را دنبال می‌کنند. بر این اساس، می‌توان گفت افق پیش روی هیئت‌های گونه بازاندیش به نوعی بازاندیشی در این جامعه برای نزدیک شدن هر چه بیشتر آن به نسخه‌ای بومی شده از جامعه مدنی است.

سپاسگزاری

از همکاری فعالان هیئت‌های مذهبی یزد که در جمع‌آوری داده‌های این پژوهش ما را یاری کردند سپاسگزاریم.

ORCID

Morteza Mashalchi  <http://orcid.org/0000-0001-7009-7061>

Abolfazl Morshedi  <http://orcid.org/0000-0001-5016-1310>

References

- A Group of Writers (1998). *Civil Society and Today's Iran*, Tehran: Nghsh-o-Negar
- Alagappa, M. (Ed.). (2004). *Civil Society and Political Change in Asia. Expanding and Contracting Democratic Space* (1 edition). Stanford, Calif: Stanford University Press.
- Alexander, Jeffrey C. (2006). Tocqueville's Two Forms of Associations: Interpreting Tocqueville and Debates over Civil Society Today, *The Tocqueville Review/La Revue Tocqueville*, Vol. XXVII
- Alizadeh, T. (2013). Iran's civil society in the beginning of the constitution. *Book of the month (social sciences)*. 71,63-71
- Aron, R. (2003). *Main currents in sociological*. Translated into Persian by Bagher Parham. Tehran: Elmi va Farhangi Publication.
- Attar, S. (2009). Social capital, civil society and state: Elements of access to development. *Politics quarterly*. 39(4).
- Berger, Peter Thomas Luckmann (1995). *Modernity, Pluralism and the Crisis of Meaning: The Orientation of Modern Man*. Gutersloh: Bertelsmann Foundation Publishers
- Blaikie, N. (2014). *Social research design*. Translated into Persian by Hassan Chavoshian. Tehran: Ney publication.
- Bryman, A (2001). *Social Research Methods*. Oxford, Oxford press
- Chandhoke, N. (1999). *State and civil society*. Translated into Persian by Fereidoun Fatemi, Vahid Bozorgi. Tehran: Markaz publication.
- Civil society in islamic republic of Iran. (1999). *Strategic studies quarterly*.
- Coenen-Huther, J. (2014). *Tocqueville*. Translated into Persian by Bozorg Naderzad. Tehran: Hermes.
- Diamond, L. (1999). *Developing Democracy: Toward Consolidation*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Eastern Studies, 28:2, 165-185
- Faghih, A., valikhani, M. (2011). Introducing indigenous model of civil society in Islamic republic of Iran.
- Feirahi, D. (1999). Pluralism and political participation in civil society and the Islamic state. *Islaic University*. (5).
- Feirahi, D. (2005). Shiite and deliberative democracy in Iran. *Law and political science*. (67)
- Feirahi, D. (2006). The prophet's city-state. *Law and political science*. (73)
- Feirahi, D. (2015). *The threshold of modernity*. Tehran: Ney publication.
- Flick U. (2008). *An introduction to qualitative research*. Translated into Persian by Hadi jalili. Tehran: Ney publication.
- Ghaninezhad, M. (1999). *The relationship between religion and civil society. In Civil society and Iran today*. Tehran: naghsh va negar.
- Haeri Yazdi, M. (2005). *Explorations of practical reason: the philosophy of*

- ethics*. Tehran: Iranian research institute of philosophy.
- Haeri Yazdi, M. (2005). *Philosophical essays: A collection of professor Mehdi Haeri Yazdi's articles*. Tehran: Iranian research institute of philosophy.
- Hassanpour, A. (2014). Islamic Revolution, the clergy and intellectuals: cultural combat to capture civil society in Iran. *Intercultural studies quarterly*, 9(22), 117-149.
- Heidari Kashani, M. (2005). From civil society to Madinah al- Nabi. *Reflection of thought*. (62)
- Islamic Social Reseaches No. 14 (1998). Special: Civil Society
- Kamali, M. (2002). *Civil society, government and modernization in contemporary Iran*. Translated into Persian by Kamal Pouladi. Tehran: Iran and Islam recognition center.
- Kamali, M. (2002). *Iran's two revolutions: modernity, civil society and class struggle*. Tehran: Digar.
- Kamrava, Mehran (2010). The Civil Society Discourse in Iran, *British Journal of Middle*
- Khaniki, H. (2002). *The power of civil society and the press*. Tehran: Tarhe now.
- Khoshk jan, Z. Moslemi mehni, Y. (2016). The Meaning System and Politico-Social Functions of Mourning In Shiism. *Journal of political sociology of the Islamic world*. 10, 61-80
- Morshedi, A. & Alinejad, M. (2021). *Active Adaption: An Investigation into the Economic Ethics of Yazdis*, Yazd: Yazd University Publication
- Morshedi, A., Hajizadeh Meimandi, M. & Mashalchi, M., (2020). The typology of the mourning community in Yazd. *Iran cultural research journal*. 13(3), 131-155.
- Naeini, M., (2015). *Tanbiholomah va tanziatolmela*. In S.M Feirahi, D. *The threshold of modernity*. Tehran: Ney publication.
- Organization of Cultural Document of Islamic Revolution. (1999). *Realization of civil society in Iran's Islamic Revolution, Collective Papers*, Tehran: Organization of Cultural Document of Islamic Revolution
- Putnam, R. D. (2001). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community (1st edition)*. New York: Touchstone Books by Simon & Schuster.
- Rahmani, J., kazemi, A. (2011). Communities and Hey`ati Community. *Sociological review*. 39,153-166.
- Sabzeie, M. (2010). Sociological analysis of the development of civil society in Iran, a comparative analysis of the constitutional period with the period of the Islamic revolution. *Journal Iranian social studies*. 4(2).
- Sabzeie, M. (2011). Sociological Study and Analysis of Relation between

- Traditional Civil Society and Constitutional Revolution in Iran. *Journal of Social Sciences*. 52.
- Schmitt, Carl (2005). *Political Theology: Four Chapters on The Concept of Sovereignty*, translated by George Schwab. Chicago: The University of Chicago Press
- Soroush, A. (1999). *Religion and civil society*. In *Civil society and Iran today*. Tehran: naghsh va negar.
- Tavasoli, Gh. (2006). The basic elements of Islamic civil society in nahjol-Balaghe. *Journal of Nahjolbalagheh*. 15-16: 11-17
- Tocqueville, A. de. (1898). *Democracy in America*. Century Company.
- Willis Charmaine N. (2019). Democratization and Civil Society Development through the Perspectives of Gramsci and Tocqueville in South Korea and Japan, *Asian Journal of Comparative Politics*, August 4,
- Zahed zahedani, s., geroosi, s. (2002). Union religious boards as ungobermental organization; case study: Qajar period. *faculty of literature and humanities of Isfahan*. 2(31-32), 215-244.



استناد به این مقاله: مشعلچی، مرتضی، مرشدی، ابوالفضل. (۱۴۰۰). بررسی نقش هیئت‌های مذهبی در تقویت جامعه مدنی (مطالعه موردی: بررسی دیدگاه فعالان هیئت‌های مذهبی شهر یزد)، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۴)، ۲۰۹-۲۳۹.

DOI: 10.22054/QJSS.2022.62910.2431



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی